

# افشا و سرقت علامت تجاری

## آثار حقوقی استفاده از یک علامت، قبل از ثبت آن

◀ شیرزاد اسلامی - وکیل پایه یک دادگستری

### ■ مقدمه

(۱) در دو قرن گذشته، اجرای تئوری تجارت آزاد (بدون مرز) و پیشرفت تکنولوژی‌های ارتباطی، تبادل سریع اطلاعات و گردش آسان کالاها را موجب گردید. در مقابل؛ رقابت تجاری روز به روز پیچیده و سخت‌تر شد و رقابت‌های مکارانه تجاری نیز به صورت گوناگون گسترش یافت. بدین جهت؛ قرن‌هاست، تجار، برای معرفی شخصیت تجاری خویش یا تمایز کالاها و خدماتشان از سایر رقبای، از اسامی و علائم تجاری استفاده می‌کنند که امروزه مهم‌ترین موضوع در عرصه رقابت و بازاریابی است.

از سوی دیگر، به دلیل آنکه حمایت قانونی از علائم و اسامی تجاری با توسعه اقتصادی و رشد خلاقیت ارتباط مستقیم دارد، در تمامی کشورها در این خصوص، مقرراتی بر حسب نظام حقوق ملی، تصویب شده است.

البته در کنار مقررات ملی، جامعه جهانی هم همواره در اندیشه حمایت از علائم تجاری و ممانعت از رقابت مکارانه تجاری بوده که با انعقاد کنوانسیون‌های بین‌المللی و تأسیس اتحادیه‌های جهانی این اندیشه را تا حد زیادی متبلور و اجرا کرده است.

در ایران، اولین قانون ثبت علائم تجاری در سال ۱۳۰۴ به تصویب رسید که قانون دیگری در سال ۱۳۱۰ جانشین آن شد. تحولات داخلی و بین‌المللی یک قرن گذشته در حوزه تجارت از یک سو و جنبش حمایت از مالکیت‌های فکری و الزامات ناشی از الحاق ایران به کنوانسیون‌های جهانی از سوی دیگر، نهایتاً قانون‌گذار ایرانی را بر آن داشت که قانون جدیدی را تحت عنوان «قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری» در تاریخ ۸۷/۸/۷ تصویب کند که به طور آزمایشی به مدت ۵ سال اجرا خواهد شد.

قانون جدید در مقایسه با قانون سابق، محاسن و معایبی دارد که پرداختن به همه آنها در این نوشتار میسر نیست. اما مقاله حاضر سعی دارد به یکی از مسائلی که با تصویب قانون جدید، محل بحث حقوقدانان کشور شده است، بپردازد.

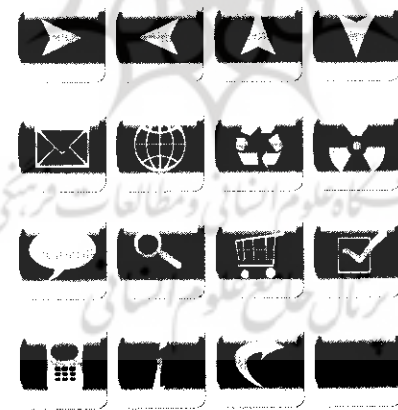
(۲) با توجه به عرف کسب و کار، معمولاً اشخاص قبل از آنکه علامت تجاری یا خدماتی خویش را ثبت کنند، آن را استفاده کرده و به اصطلاح «افشا» می‌کنند و حتی گاه ثبت علامت، با ده‌ها سال تأخیر انجام می‌شود. مطابق مواد ۲۲ و ۲۰ قانون ثبت علائم و اختراعات، مصوب ۱۳۱۰ اگر شخصی در خصوص ثبت علامتی تأخیر می‌کند و دیگری علامت وی را به نام خود ثبت می‌کند، صاحب

اصلی علامت، می‌توانست تا سه سال نسبت به ثبت علامت، اعتراض کرده و با اثبات سابقه استعمال مستمر، از دادگاه حکم بر ابطال علامت ثبت شده و همچنین ثبت آن به نام خود را بخواهد و حتی گاه با اثبات شرایطی، امکان طرح دعوا پس از سه سال نیز ممکن بود.

در مقابل مطابق مواد ۳۱ و ۳۰ قانون جدید ثبت علائم تجاری مصوب ۸۷/۸/۷:

«علامت تجاری هر نشان قابل رویتی است که بتواند کالاها یا خدمات اشخاص حقیقی یا حقوقی را از هم متمایز سازد و حق استفاده انحصاری از یک علامت به کسی اختصاص دارد که آن علامت را طبق مقررات این قانون به ثبت رسانده باشد.»

متأسفانه؛ در قانون اخیرالتصویب، در خصوص حق مکتسب شخصی که علامتی را قبل از ثبت، استفاده کرده و دیگری آن را ثبت کرده است، اثبات یا نفی حکمی مقرر نشده است.



حال با توجه به سکوت قانون جدید؛ سؤالاتی که موضوع بحث مقاله حاضر خواهد بود، این است که:

الف) اگر یک علامت، قبل از آنکه ثبت شود، مورد استفاده قرار گیرد و شخصی با سوءنیت یا بدون سوءنیت آن را زودتر ثبت کند، آیا می‌توان حقیقی برای صاحب اصلی علامت (استفاده‌کننده مقدم) قائل شد؟ به عبارت دیگر آیا «افشای علامت تجاری» و تأخیر در ثبت آن، موجب بی‌حقی و به اصطلاح، اسقاط حق استفاده‌کننده مقدم نسبت به علامت تجاری‌اش می‌شود یا خیر؟

ب) اگر شخصی علامتی را که مورد استفاده دیگری است به نام خود ثبت کند، چه عواقبی از جنبه حقوقی متوجه اوست و آیا می‌تواند به اتکالی

سند خویش، مانع استعمال استفاده‌کننده مقدم از علامت گردد یا خیر؟

طی چند گفتار پیش رو سعی خواهد شد، علیرغم سکوت قانون جدید با تمسک به اصول حاکم بر حقوق مالکیت‌های صنعتی و مقررات معاهده پاریس، به این سؤالات پاسخ داده و حکم موضوع را روشن کرد.

### ■ گفتار اول: اهمیت و ضرورت بحث

پاسخ سؤالات طرح شده، هم از منظر حقوقی و هم از منظر اقتصادی حائز اهمیت می‌باشد:

#### ۱- اهمیت موضوع از منظر اقتصادی:

از منظر اقتصادی، امروزه علامت تجاری یا خدماتی یکی از سرمایه‌های اصلی اشخاص و حتی معیاری برای اندازه‌گیری پیشرفت و توسعه کشورهاست. از سوی دیگر با توجه به آزادی مبادلات بازرگانی، دیگر علامت تجاری یک موضوع صرفاً داخلی نبوده و پدیده‌ای بین‌المللی است. لذا با در نظر گرفتن این واقعیت که استفاده از علامت تجاری قبل از ثبت آن، عرف مسلم تجاری است نادیده گرفتن حق مکتسب ابداع‌کننده علامت، می‌تواند موجب ورشکستگی اشخاص و حتی مناقشات سیاسی و بین‌المللی گردد. مضافاً اینکه تجویز استفاده از اعتبار و شهرت تجاری غیر، موجب رقابت نامشروع تجاری خواهد شد.

در نتیجه باید توجه داشت که هر تغییری در قوانین یا رویه قضایی راجع به علائم تجاری، بدون تردید در رونق و امنیت تجاری و بالتبع میزان سرمایه‌گذاری در کشور موثر خواهد بود.

#### ۲- اهمیت موضوع از منظر حقوقی:

موضوع از جهات حقوقی ذیل اهمیت دارد: الف) یکی از دعوی‌های شایع در خصوص علائم تجاری، دعوی استفاده‌کننده مقدم از یک علامت، علیه کسی است که علامت را بدون اجازه شخص مقدم به نام خود ثبت کرده است.

پرونده‌های بسیاری در زمان حکومت قانون سابق یا پس از تصویب قانون جدید به استناد حق مکتسب، تشکیل شده و اینک به دلیل سکوت قانون جدید، حکم موضوع و تکلیف دعوی به روشنی مشخص نیست.

ب) ایران از اعضای اتحادیه پاریس و عضو سازمان جهانی مالکیت فکری است لذا از جهت پایبندی یا عدم پایبندی ایران به تعهدات و عرف بین‌المللی، موضوع اهمیت دارد.

ج) آثار عملی مباحث قانون جدید و ضمانت اجرایی که برای نقض حقوق علائم تجاری مقرر شده است با توجه به آزمایشی بودن قانون جدید، حائز اهمیت است.

## ■ گفتار دوم: نظریات حقوقی

### مبحث اول: نظریه قانونی

بعضی از حقوقدانان بر این نظر هستند که با توجه به سکوت قانون جدید، دیگر برخلاف قانون سابق، اگر شخصی علامتی را استفاده کرده ولی ثبت نکند و شخص دیگری آن را ثبت کند، اولاً، استفاده‌کننده مقدم، حق اعتراض ندارد. ثانیاً مالک رسمی علامت، با حق استفاده انحصاری، می‌تواند، استفاده‌کننده مقدم را نیز از استعمال علامت، منع کند.

نظر این گروه بر دو مبنا قرار گرفته است:

۱) ظاهر قانون: این گروه به استناد منطوق و ظاهر مواد ۳۱ و ۳۰ قانون اخیرالتصویب، معتقدند مالکیت نسبت به یک علامت، فقط با ثبت آن ایجاد می‌گردد. لذا چون در زمان ثبت علامت، شخص متقاضی یا مانع قانونی مواجه نبوده است لذا بدون تجویز قانون‌گذار، نمی‌توان علامت ثبت شده را ابطال کرد.

از سوی دیگر، معتقدند، حق مالکیت مکتسب (موضوع مواد ۲۰ و ۲۲ قانون سابق) می‌بایست در قانون جدید مورد تصریح قرار می‌گرفت و سکوت قانون‌گذار، به معنای عدم شناسایی این حق در قانون جدید و بی‌حقی استفاده‌کننده مقدم است.

۲) قاعده اقدام: مبنای دیگری که این گروه به آن استناد می‌کنند، «قاعده اقدام» است. بدین معنا که استفاده‌کننده از یک علامت با عدم ثبت علامت، در واقع علیه حقوق خود اقدام کرده و در واقع به طور ضمنی این اجازه را به اشخاص دیگر داده است که علامت را به نام خود ثبت کنند.

### مبحث دوم: نظریه اصولی

برخلاف نظری که در گفتار قبلی ذکر شد، نگارنده اعتقاد دارد، علیرغم آنکه در قانون جدید برخلاف قانون سابق، حق اعتراض و اقامه دعوا برای استفاده‌کننده اولیه از یک علامت، تصریح نشده است، لیکن اولاً: استفاده‌کننده مقدم، حق اعتراض داشته و با اثبات سابقه استعمال مستمر، دادگاه باید حکم به ابطال سند مورد اعتراض صادر کند. ثانیاً: اگر مالک رسمی علامت بخواهد مانع استفاده‌کننده مقدم گردد، مراجع قضایی باید به ادعای منتهی یا خواننده دعوا مبنی بر مالکیت مکتسب علامت که قبل از ثبت علامت، حاصل شده است، توجه و رسیدگی نمایند.

این نظر بر مبنای ذیل استوار است:

۱) اصول حقوقی (حق مکتسب؛ منع دارا شدن ناعادلانه؛ انصاف):

به استناد ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی یکی از منابعی که قضات دادگاه‌ها در مواردی که قانون صریح نبوده یا ساکت باشد، مکلفند به آن استناد نمایند «اصول حقوقی» است.

اصول حقوقی: قوانین نانوشته‌ای هستند که به عنوان مسلمات حقوقی، نیازی به تصریح قانون‌گذار ندارند. هرچند، گاه مانند اصل برائت، صورت قانونی نیز می‌یابند.

منشاء اصول حقوقی، عمدتاً؛ حقوق طبیعی، عرف مسلم و عقلانیت متعارف جوامع بشری است.

اصل «حق مکتسب»، اصل «منع دارا شدن ناعادلانه» و اصل «انصاف» سه اصل حقوقی «بنیادین» هستند که با منطق ذاتی خویش از احترام تمامی نظامات حقوقی برخوردارند.

در خصوص اثبات حق اعتراض شخصی که علامت تجاری‌اش توسط دیگری ثبت شده است می‌توان به اصول حقوقی فوق‌الذکر استناد کرده و حکم موضوع را روشن کرد:

**الف - حق مالکیت مکتسب:**

چون امکان کمال قوانین، فرضی محال است، بر اساس مبنای حقوقی، خصوصاً عرف و حقوق طبیعی، بسیاری از حقوق، خصوصاً برخی حقوق مالکانه بدون آنکه در قوانین یا قراردادها تصریح گردد، مورد احترام و قبول نظامات حقوقی است.

یکی از حقوق طبیعی، حرمت و حق مالکانه نسبت به نتایج حاصل از تلاش‌ها و ابتکارات مشروع نوع بشر است و همیشه به هنگام تردید در وجود یا عدم وجود حق، اصل بر این است که انسان، نسبت به نتایج زحمات خویش، حق مالکانه دارد.

در خصوص علامت تجاری نیز اصل بر این است که استعمال‌کننده یا ابداع‌کننده مقدم، حق مالکیتی مکتسب و مقدم در برابر مالک موخر (ثبت‌کننده علامت) دارد. لذا بدون تصریح قانون‌گذار و صرفاً به بهانه سکوت قانون، نمی‌توان حق مکتسب وی را نادیده گرفت و به بهانه تاخیر در ثبت علامت، به آسانی و به رایگان، علامت و شهرت تجاری‌اش را به شخص دیگری داد.

پیشتر گفته شد، قانون جدید برخلاف قانون سابق، برای استفاده‌کننده از یک علامت که نسبت به ثبت علامت خویش اقدام نکرده و علامت به نام کس دیگری ثبت شده است به صراحت، حق اعتراضی مقرر ننموده است. لیکن به نظر می‌رسد، می‌توان به استناد برخی از مواد این قانون، حق اعتراض یا حق مکتسب صاحب اصلی علامت تجاری را استنتاج کرد:

در مواد ۴ و ۲۰ قانون جدید که تحت عنوان «قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری» تصویب شده است، قانون‌گذار به صراحت احکامی را در خصوص افشای اختراع یا طرح صنعتی مقرر کرده است. بدین معنا که اگر مخترع

یا مالک یک طرح صنعتی، اختراع یا طرح خود را استفاده کرده و ظرف مدت شش ماه نسبت به ثبت آن اقدام نکند، افشای اثر، موجب از بین رفتن حق انحصاری صاحب اثر شده و برای عموم قابل استفاده می‌شود.

اما در مقابل، می‌بینیم که چنین حکمی در خصوص «افشای علامت»، در قانون جدید مقرر نشده است. حال از تصریح قانون‌گذار در خصوص اختراع و طرح صنعتی و سکوت قانون‌گذار در خصوص علامت، می‌توان بر این نظر بود که قانون‌گذار با اعتقاد به بدیهی بودن حق مکتسب استفاده‌کننده مقدم، افشای علامت و تاخیر در ثبت آن را موجب اسقاط حقوق مکتسب صاحب اصلی علامت ندانسته و به همین دلیل برخلاف موضوعات دیگر حکمی در این خصوص مقرر نکرده است.

**ب - اصل منع دارا شدن ناعادلانه و اصل انصاف:** اگر حق مکتسب استفاده‌کننده ابتدایی از یک

علامت را نادیده بگیریم، دو نتیجه حاصل می‌گردد:

اولاً - شخصی که علامت دیگری را به نام خود ثبت کرده است، بدون آنکه در ابداع و شهرت علامت نقشی داشته باشد، رایگان و بدون زحمت، علامت و منافع آن را تصاحب می‌کند و در مقابل، صاحب اصلی علامت به خطر ورشکستگی دچار می‌شود. ثانیاً - شخصی که هیچ سابقه‌ای در خصوص استعمال علامت نداشته است، پس از ثبت و صدور سند مالکیت می‌تواند از فعالیت شخصی که سال‌ها قبل از ثبت علامت از آن استفاده می‌کرده است، جلوگیری نماید! حتی مالک رسمی علامت می‌تواند، مبتکر و صاحب اصلی علامت را به اتهام جعل علامت، تحت تعقیب قرار دهد!

بدیهی است چنین نتایجی با اصل «منع دارا شدن ناعادلانه و بلاجهت» و «اصل انصاف» سازگار نیست. نتیجه اینکه به نظر می‌رسد علی‌رغم سکوت قانون جدید، دعوی استفاده‌کننده مقدم از یک علامت (مالک اصلی)، علیه ثبت‌کننده علامت (مالک رسمی)، به استناد اصول حقوقی مذکور، قابل استماع است.

۲) منع رقابت مکارانه تجاری (مقررات معاهده پاریس):

رقابت، در ذات تجارت نهفته است و تردیدی نیست که میان رقابت تجاری و رونق تجاری ارتباطی مستقیم وجود دارد، لیکن رقابت تجاری همیشه رقابتی سالم و منصفانه نیست و گاه تجار، حیات خویش را در تخریب یا سوءاستفاده از شهرت رقیب، می‌دانند.

یکی از شایع‌ترین مصادیق رقابت مکارانه تجاری، تقلید و شبیه‌سازی از علائم تجاری مشهور یا ثبت علامتی است که صاحب اصلی آن، نسبت به ثبت علامت خویش اقدام نکرده است.

**یکی از شایع‌ترین مصادیق رقابت مکارانه تجاری، تقلید و شبیه‌سازی از علائم تجاری مشهور یا ثبت علامتی است که صاحب اصلی آن، نسبت به ثبت علامت خویش اقدام نکرده است.**

متأسفانه علیرغم آنکه قریب به یکصد سال از تاریخ قانون‌گذاری در کشور می‌گذرد، هنوز در خصوص رقابت مکارانه و نامشروع تجاری، قانون ملی مشخصی نداریم. لیکن خوشبختانه، معاهده بین‌المللی پاریس که ایران نیز به آن ملحق

شده و در حکم قانون داخلی است در ماده ۱۰ مکرر، رقابت مکارانه و نامشروع را تعریف و صراحتاً منع کرده است.

طبق این ماده «هر رقابتی که برخلاف عرف معمول و شرافت‌مندانه صنعت یا تجارت انجام گیرد، رقابت نامشروع تلقی شده و ممنوع است». بدیهی است که مصادیق رقابت مکارانه تجاری را نمی‌توان احصا نمود، چرا که با تغییر دائمی شیوه‌های تجارت، طرق رقابت تجاری نیز تغییر می‌کند لذا احراز مصادیق آن به عهده قضات محاکم دادگستری است.

همچنین، مطابق ماده ۲ معاهده پاریس، اساساً موضوع حقوق مالکیت صنعتی و هدف کشورهای عضو معاهده پاریس، حمایت از ابتکارهای فکری و تلاش‌های تجاری بشریت و جلوگیری از سوءاستفاده اشخاصی است که می‌خواهند از حاصل زحمات و یا اعتبار و شهرت تجاری دیگران بدون اجازه و به رایگان استفاده کنند.

بدون تردید، ثبت علامتی که ابتکار و مورد استفاده شخص دیگری است، از مصادیق رقابت مکارانه تجاری است. چرا که در حقوق علامت تجاری، ملاک برای حمایت قانونی، ثبت علامت تجاری نیست بلکه ملاک اصلی در تمام نظامات حقوقی، آن اندیشه و ابتکار مقدماتی است که یک علامت را ایجاد یا استعمال کرده است. به همین دلیل؛ در بند «ج» ماده ۶ معاهده پاریس مقرر شده است «برای تشخیص اینکه آیا علامت، قابل حمایت است یا نه باید کلیه اوضاع و احوال واقعی خصوصاً مدت استعمال علامت را در نظر گرفت».

مضافاً اینکه؛ ماده ۶۲ قانون جدید ثبت علائم، مقررات معاهدات بین‌المللی را مقدم بر قوانین داخلی اعلام کرده است.

نتیجتاً؛ صرف‌نظر از اصل حقوقی حق مکتسب، به نظر می‌رسد، علی‌رغم سکوت قانون داخلی، دعوی استفاده‌کننده مقدم از یک علامت، علیه کسی که بدون اجازه وی علامت را به نام خود ثبت کرده است به استناد مقررات معاهده پاریس و بر مبنای اصل منع رقابت مکارانه تجاری، قابل استماع است.

#### ■ نتیجه‌گیری

##### الف) خلاصه بحث:

قانون علائم تجاری سابق، مصوب ۱۳۱۰ به اشخاصی که علامتی را قبل از ثبت، استفاده کرده بودند، حق می‌داد نسبت به ثبت علامت به نام دیگری اعتراض کرده و ثبت را باطل کنند.

لیکن قانون جدید مصوب ۱۳۸۶ این حق را تصریح نکرده و حق استفاده انحصاری از علامت تجاری را متعلق به کسی می‌داند که علامت را به نام خود ثبت کرده است.

حال؛ تفاوت قانون لاحق با قانون سابق، محل این بحث است که آثار حقوقی سکوت قانون جدید، برای مالک اصلی (استفاده‌کننده مقدم) و مالک رسمی (ثبت‌کننده علامت) چیست؟

گفته شد که دو نظر در این خصوص وجود دارد:

نظریه اول؛ به استناد منطوق قانون جدید، مالکیت و ملاک حق استفاده انحصاری نسبت به یک علامت را ثبت رسمی آن می‌داند و بر اساس قاعده اقدام، حق اعتراض برای شخصی که علامتی را قبل از ثبت استفاده کرده است، قائل نیست و در نتیجه اقامه دعوا از جانب چنین شخصی را قابل استماع نمی‌داند. برعکس؛ نظریه دوم، به استناد اصل حق مکتسب، دلیل مالکیت نسبت به یک علامت را تقدم ابداع و سابقه استعمال آن می‌داند لذا «افشای علامت» و تاخیر در ثبت آن را موجب اسقاط حق مالکیت استفاده‌کننده مقدم نمی‌داند.

مطابق این نظر، ثبت آثار (اختراع، علامت تجاری، طرح صنعتی و...) موضوعیت ندارد بلکه طریقت دارد. همچنین این نظر بر این اعتقاد است مطابق مقررات معاهده پاریس در خصوص منع رقابت مکارانه تجاری، ثبت علامتی که قبلاً مورد استعمال

شخص دیگری بوده است، از مصادیق رقابت مکارانه تجاری است. در نتیجه، در صورت اعتراض و اقامه دعوا، بر اساس اصول حقوقی و مقررات بین‌المللی، دادگاه‌ها مکلفند، در صورت اثبات سابقه استعمال مستمر، حکم بر ابطال سند مورد اعتراض و الزام اداره ثبت، نسبت به ثبت علامت به نام مالک واقعی، صادر کنند.

#### ب) پیشنهادات:

۱- رقابت شرافت‌مندانه تجاری، اصلی است که اساس حقوق تجارت و حقوق مالکیت‌های صنعتی بر آن استوار است. متأسفانه در حال حاضر در خصوص رقابت مکارانه تجاری در بعد ملی با خلأ قانونی مواجهیم. البته همان‌طور که گفته شد ایران به کنوانسیون پاریس ملحق شده و مقررات آن در حکم قانون داخلی است لیکن رقابت‌های مکارانه صرفاً به مصادیق مالکیت‌های صنعتی که در کنوانسیون پاریس آمده است محدود نمی‌شود. ضمن آنکه صرف‌نظر از چند شعبه‌ای که در تهران به دعوی مالکیت‌های صنعتی رسیدگی می‌کنند، سایر محاکم کشور با مفاد کنوانسیون پاریس بیگانه‌اند و شاید تاکنون هیچ محکمه‌ای در خارج از تهران به این کنوانسیون توجه و استناد نکرده باشد. لذا شایسته است، قانونی خاص در خصوص «منوعیت رقابت مکارانه تجاری» تصویب و اجرا گردد.

۲- منبع اصلی حقوق، قانون است. لذا هرچند مطابق استدلال‌های پیش گفته، می‌توان حکم موضوع را علیرغم سکوت قانون با اصول حقوقی روشن کرد، لیکن به هر حال سکوت قانون، محل مناقشه بوده

و می‌تواند موجب تضییع حقوق صاحب اصلی علائم تجاری گردد. لذا بهتر است حتی قبل از اتمام مهلت آزمایشی قانون جدید، قانون‌گذار با تصویب ماده واحده‌ای حکم موضوع را از منظر قانونی روشن کند. البته امیدواریم تا آن زمان، رویه قضایی به بهانه سکوت قانون، اصول حقوقی و مقررات بین‌المللی را نادیده نگیرد. چرا که این امر، علاوه بر تجویز رقابت مکارانه تجاری،

بر خلاف تعهدات بین‌المللی ایران است.

۳- در حقوق مالکیت‌های فکری، سرقت آثار فکری و ضمانت اجرای کیفری آن از مباحث اصلی حمایت از حقوق مادی و معنوی صاحب اثر است. خوشبختانه در نظام ملی حقوق مالکیت‌های ادبی، موضوع سرقت ادبی (انتساب اثر ادبی دیگری به خود) مورد توجه قانون‌گذار بوده و مجازات قانونی روشنی دارد. (ماده ۶ قانون مطبوعات) لیکن متأسفانه نه قانون سابق و نه قانون لاحق، هیچ مجازاتی برای سرقت علائم تجاری (ثبت یا استعمال علامتی که قبلاً مورد استعمال شخص دیگری بوده است) مقرر نکرده است. شایان ذکر است، اگر شخصی علامت ثبت شده دیگری را استعمال یا مشابه‌سازی کند، عناوین مجرمانه خاصی دارد، لیکن به نظر نگارنده برای حمایت از حقوق مبتکر علامت، و حقوق مصرف‌کنندگان، ضروری است در خصوص استعمال

یا ثبت غیرمجاز علائم ثبت نشده نیز، ضمانت اجرایی کیفری، پیش‌بینی و تصویب گردد.

۴- هرچند مطابق قانون جدید، ثبت علامت، اجباری نیست لیکن با توجه به مباحث پیش گفته، احتیاط حقوقی ایجاب می‌کند، اشخاص قبل از استفاده از هر علامتی آن را ثبت کنند. لذا به تولیدکنندگان کالاها و ارائه‌کنندگان خدمات توصیه می‌شود، ثبت علائم خود را جدی بگیرند تا دچار اضطراب‌های حقوقی نشوند.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱- نشان‌ها یا علائم، گاه برای تمایز کالاها (مانند علامت مهرام) و گاه برای تمایز خدمات (مانند علامت بانک پاسارگاد) به کار گرفته می‌شوند. از این جهت، علائم به علائم تجاری و علائم خدمت‌های (Service Marks & Trade Marks) تقسیم می‌شوند و هر گروه، طبقات مخصوص خود را دارند، لیکن در ادبیات حقوقی و متون قانونی، هر نوع علامتی را اصطلاحاً «علامت تجاری» می‌خوانند.

۲- از منظر حقوقی؛ اسم تجاری و علامت تجاری دو مقوله متفاوت هستند. متأسفانه در عرف تجارت و حتی گاه در نوشته‌های حقوقی، این دو مقوله با یکدیگر اشتباه شده و کلماتی را که به عنوان یک «علامت تجاری» انتخاب و ثبت می‌شود تحت عنوان «اسم یا نام تجاری» به کار می‌برند. وجوه اشتراک و تمایز اسامی و علائم تجاری موضوع مقاله دیگری خواهد بود که انشاءالله منتشر خواهد شد.

۳- معاهده پاریس، قراردادی است که در سال ۱۸۸۳ بین برخی از کشورهای جهان و به منظور حمایت از مالکیت‌های صنعتی از جمله علائم تجاری منعقد شده و به کرات نیز مورد تجدیدنظر قرار گرفته است و اینک قریب به ۱۸۰ کشور به این معاهده ملحق شده‌اند. با توجه به اینکه ایران نیز در سال ۱۹۵۹ به این کنوانسیون ملحق شده است، مقررات آن در حکم قانون داخلی بوده و برای اتباع و محاکم ایران لازم‌الاجرا است. در ضمن، کنوانسیون مادرید مصوب ۱۹۸۱ در خصوص ثبت بین‌المللی علائم تجاری و همچنین کنوانسیون تاسیس سازمان جهانی مالکیت فکری مصوب ۱۹۶۷ نمونه‌های بارز دیگری برای تلاش جهانی جهت حمایت از علائم تجاری است که خوشبختانه ایران به این دو کنوانسیون نیز ملحق شده است.

۴- با توجه به جدیدالتصویب بودن قانون ثبت علائم، هنوز رویه قضایی در موضوع مورد بحث مشخص نیست. کتاب یا مقاله‌ای نیز در نقد قانون جدید، منتشر نشده و نظرات حقوقی در این خصوص بیشتر محفلی و غیرمکتوب است. به همین دلیل ذکر منبع مکتوب نظر گروه اول، جهت ارجاع خوانندگان مقدور نبوده است.

۵- اصطلاحات «افشای علامت تجاری» و «سرقت علامت تجاری»، برای اولین بار با این مقاله وارد است و نگارنده ادبیات حقوقی کشور شده است نگارنده امیدوار است با مقاله حاضر به غنای حقوق علائم تجاری که در مقایسه با سایر رشته‌های حقوقی، متأسفانه دچار فقر علمی است اندکی افزوده شود. لذا از خوانندگان عزیز، انتظار دارم نظرات خود را به مجله قضاوت ارسال فرمایند.